

# هو الابهی الله ابهی - یا من انجذب بنفحات الله قد...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۶۷

هو الابهی الله ابهی

یا من انجذب بنفحات الله قد تجلی جمال الله الابهی من سیناء الظهور مشرق النور شجرة الطور و اشرق علی الآفاق بضیاء الميثاق و سطع و برق و لاح و تالأ و تشعشع فی الوجود بنور السجود فابتهجت منه النفوس و انشاحت منه الصدور و تهلت منه الوجوه و انتعشت منه القلوب و قاموا اهل الوفاق و نادوا ملأ الآفاق و اداروا كأس الميثاق فی محفل الاشراق و انتشوا و سکروا من صهباء العرفان و رتحتهم بما هبت علیهم نسמת القبول و سطعت علیهم انوار الوصول و نفحت علیهم نفحات ربک الودود و قام مرکز العهد بعبودية لم تر عين الوجود مثلها مبتهلاً متذللاً متضرعاً قانتاً لله رب العالمین و اکب بوجهه علی تراب الذل و الانکسار معفراً جبینه بغبار الضراعة و الابهال و يقول رب ثبت قدمی علی صراط العبودية فی عتبتک السامیه انک انت المتعال. ع ع

در جمیع اوقات ظهور مظاهر مقدسه که مقام ذر بقا و الست یوم لقاء بود اقداح ميثاق به دور آمد و نیر عهدی اشراق فرمود ولی مرکز ميثاق عند العموم غیر معلوم و عند الخواص مرموز و محفوظ و مصون و عند العوام مجهول. مثلاً حضرت روح روحی له الفداء علم عهدی برافراختند مرکز عهد حضرت نخر رسل روحی له الفداء بود ولی مرموز و مستور و غیر معلوم تا آنکه بعد از هزار سنه و چیزی ظهور فرمود و گفت این ظهور محمدی مرکز عهد عیسویست. گفتند آن مرکز عهد به علامات و شروطی که تعیین فرموده تحقق یابد و به او هاشان هیچ یک از آن علامات ظاهر نشد و هیچ یک از آن شروط مشهود نگردید لهذا استکار کردند. ولی در این کور



ORIGINAL



AUDIO

عظیم و دور جلیل الحمد لله مرکز میثاق مشهود و معلوم و محور عهد واضح و مشهور لدی العموم. اهل آفاق عموماً شاهد میثاق و شرق و غرب مطلع بر پیمان نیر آفاق. با وجود این معدودی از پرورده مهد همت گاشته اند که این عهد را برهم زند و صبیانی قیام نموده اند که بنیان پیمان براندازند هیئات صغر شأنهم و کبر استکبارهم. باری کلمه توحیدی بر زبان رانند و هر یک خویش را شریک و انباز حق شمرند و در ایام مبارک زمزمه الوهیت نمودند و دور باش فاحساً آنک رجیم شنیدند و آن جناب بر نغمات سرّیه بعضیشان مطلع که در کبر نمرود بودند و به جمیع حقود و حسود. جز هوی الهی نپرستند و جز نفس معبودی نجویند. در جمیع احوال در فکر خویش بودند و به هر کسی نیش می زدند. حال این نفوس و اطفالِ علقه و مضغه اضغاث و احلامی تصور نموده اند و نشر اراجیفی کرده اند که مظهر عبودیت کبری و مطلع فقر و فنا نعوذ بالله قیام بر امری نموده که بکلی مخالف مشرب حقیقی و مبین اعتقاد صمیمی اوست و آن بقای وجود و شهود هستی خویش است با وجود آنکه از این قلم و لسان تا به حال جز عبودیت محضه و فنای صرف کلمه ای صادر نه و در جمیع احوال مکباً علی التراب و منیباً الی ربّ الآیات بوده. خلاصه تا به واسطه این اراجیف اذهان ضعفا را تحدیش نمایند و قلوب یاران را به تشویش اندازند. پس آن جناب در آن صفحات باید به قدرتی الهی و قوتی معنوی و ثباتی میثاقی و رسوخی ربّانی و نفعه ای روحانی و تأییدی آسمانی قیام نمائید و چون سدّی از زر حدید گردید تا یا جوج نقض و مأجوج زلزال نقبی نتوانند و ثقبی نگشایند. رائحه کریمه ای انتشار ندهند و نفوس ضعیفه را نلغزانند. قسم به مرئی غیب و شهود چنان جنودی مؤید ثابتین است که سپاه شرق و غرب مقاومت نتواند و مقابلی نکند. بعضی از یاران مرقوم نموده بودند که آرزوی طواف مطاف ملاّ اعلی را دارند. مأذونند و منظور، حیّ علی هذا الورد المورود حیّ علی هذا الرّفد المرفود. ع ع